

## Investigating the nature of current deposits from the perspective of the customer's relationship with the bank and its legal implications

Seyyed Ruhollah Moshiri\*

### Abstract

Among the modern phenomena in the field of economy, banking and its belongings are one of the oldest things discussed by Islamic thinkers. Nevertheless, due to the complexity of the discussion and the rapid changes of these phenomena, these discussions are still alive and are not considered finished. The nature of current deposits can be examined from the two perspectives of the customer's relationship with the bank and their relationship with society. The relationship between the customer and the bank, which is the subject of discussion in this research, is one of the topics on which various opinions have been raised. The main problem of these opinions is that they went directly to solving the problem without examining these accounts from the perspective of their relationship with society, which does not seem to have taken the right path; Therefore, in this article, first by explaining the nature of current deposits from the perspective of the relationship between these accounts and the society, we are looking for an answer to this problem and solving its jurisprudential and legal complications.

**Keywords:** Money, banking, current accounts, money creation, Islamic economy.

**Classification JEL:** E42, K39, E58, P49, E51

---

\* Ph.D. student, other, Ph.D. student of international economics, moshiry\_m@yahoo.com.

## بررسی ماهیت سپرده‌های جاری از منظر رابطه مشتری با بانک و دلالت‌های فقهی آن

سیدروح‌الله مشیری\*

### چکیده

در بین پدیده‌های مدرن در حوزه اقتصاد، بانکداری و متعلقات آن یکی از قدیمی‌ترین مواردی است که اندیشمندان اسلامی درباره آنها بحث کرده‌اند. با وجود این، به دلیل پیچیدگی بحث و تغییرات سریع این پدیده‌ها، این مباحث همچنان زنده هستند و پایان یافته تلقی نمی‌شوند. ماهیت سپرده‌های جاری از دو منظر رابطه مشتری با بانک و رابطه آنها با جامعه قابل بررسی است. رابطه مشتری و بانک که محل بحث در این تحقیق است، یکی از مباحثی است که نظرات متنوعی درباره آن مطرح شده است. عمده مشکل این نظرات آن است که آنها بدون بررسی این حساب‌ها از منظر رابطه آنها با جامعه، مستقیم به سراغ حل مسئله رفتند که به نظر نمی‌رسد مسیر صحیحی را طی کرده باشند؛ از این رو در این مقاله ابتدا با تبیین ماهیت سپرده‌های جاری از منظر رابطه این حساب‌ها و جامعه، به دنبال پاسخ به این مسئله و حل پیچیدگی‌های فقهی و حقوقی آن هستیم.

واژگان کلیدی: پول، بانکداری، حساب‌های جاری، خلق پول، اقتصاد اسلامی

طبقه‌بندی JEL: E51, P49, E58, K39, E42

## مقدمه

در باره اهمیت شناخت پول به همین نکته اکتفا می‌کنیم که از نقطه نظر راجر گریسون<sup>۱</sup> (۱۳۹۷) به این علت اقتصاد کلان را کلان می‌نامند که در آن از پول استفاده می‌شود؛ زیرا اولاً در یک اقتصاد تهاتری تقریباً غیرممکن است که تحولاتی در بازار رخ دهد که کل اقتصاد را تحت تأثیر قرار دهد؛ ولی در اقتصاد مدرن به علت اینکه پول یک طرف همه مبادلات است، هرگونه مشکلی که در هر بخش اقتصادی از جمله خود پول رخ دهد، به واسطه پول به همه بخش‌های دیگر سرایت می‌کند. ثانیاً تدارک پول - حتی در اقتصادهای غیرمتمرکز - به یک مرجع مرکزی واگذار شده که موجب توجه متخصصان اقتصاد کلان به آن شده است (گریسون، ۱۳۹۷، ص ۳۶).

با عنایت به اهمیت بحث پول، سپرده‌های بانکی را می‌توان از یک منظر به سپرده‌های جاری و مدت‌دار تقسیم کرد. منظور از سپرده‌های جاری سپرده‌هایی هستند که اختیار هزینه کردن لحظه‌ای آنها در اختیار مشتریان بانک است؛ به خلاف سپرده‌های مدت‌دار که مشتریان نمی‌توانند هر لحظه که بخواهند از آنها استفاده کنند؛ بلکه استفاده از آنها نیازمند انجام مراحل است که در طی آن، این سپرده‌ها به سپرده‌های جاری و یا سکه و اسکناس تبدیل خواهند شد و در این صورت است که مشتریان می‌توانند از آنها استفاده کنند. آنچه که در این تحقیق به دنبال بررسی ماهیت آن هستیم، سپرده‌های جاری است.

حساب سپرده‌های جاری را می‌توان از دو منظر بررسی کرد: در منظر اول رابطه بین مشتری و بانک را بررسی کرد که آیا قرارداد آنها اجاره است یا قرض؟ وکالت است یا ودیعه (عینی یا کلی) یا ودیعه به اضافه وکالت در تبدیل؟ یا چیزی شبیه قرض که اساساً یک نوع قرارداد جدید با ماهیت جداگانه از قرض و امثال آن است؟ پاسخ به این سؤال که در واقع یک سؤال فقهی و حقوقی است، نیازمند آن است که ابتدا این سپرده‌ها را از زاویه دیگری بررسی کنیم تا به تبیینی ساده‌تر و بدون پیچیدگی‌های زائد و اضافی برسیم؛ بنابراین در منظر دوم، حساب سپرده‌های جاری را می‌توان از نقطه نظر رابطه بین این حساب‌ها و جامعه بررسی کرد.

به‌دیگرسخن، از این زاویه نگاه، این سؤال بررسی می‌شود که عرف و متخصصان اعم از اقتصاددان و حقوق‌دان چه نگاهی به این حساب‌ها دارند؟ آیا آنها را نوعی چک (رسید) الکترونیکی می‌دانند؟ آیا آنها را حواله بانکی جهت پرداخت و خرید می‌دانند؟ آیا این حساب‌ها را پول می‌دانند؟ با پاسخ به این سؤال، راه برای هدفی است که در این نوشتار به دنبال آن هستیم؛

1. Roger Garrison

یعنی ماهیت سپرده‌های جاری از منظر رابطه بین مشتری و بانک هموار می‌شود و می‌توان دلالت‌های این نتایج را نیز بررسی کرد.

### ۱. پیشینه بحث

در مورد نگاه اول که حساب‌های جاری را از جهت نوع قرارداد بین بانک و مشتری بررسی کرده‌اند، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است؛ به‌عنوان مثال می‌توان به آثاری مانند ابراهیمی (۱۳۷۶)؛ الثبیتی و مشیرفر (۱۳۷۶)؛ مکارم شیرازی (۱۴۲۴)؛ مزین (۱۳۸۵)؛ صدر (۱۳۸۸)؛ خواجه‌نوی (۱۳۸۸)؛ تقی‌پور مقیم (۱۳۹۶)؛ صادقی (۱۳۹۷)، شهیدی،<sup>۱</sup> محمودی و همکاران (۱۳۹۸) و موسویان و کریمی (۱۳۹۹) اشاره کرد که در این موضوع به نقد و نظر پرداخته‌اند و اما در مورد نگاه دوم که حساب سپرده‌های جاری را از نقطه نظر رابطه بین این حساب‌ها و جامعه بررسی می‌کنند، باینکه تقریباً همه اقتصاددانان معاصر، پول بودن این حساب‌ها را پیش‌فرض گرفته‌اند و از کنار آن رد شده‌اند، ولی ادبیات زیادی حول آن شکل نگرفته است. از طرفی، نظرات دیگری نیز در این باب مطرح شده است که مهم‌ترین آنها حواله بودن این حساب‌هاست.

نکته‌ای که در این مطالعات وجود دارد این است که روش همه پژوهشگرانی که این حساب‌ها را از دریچه حقوقی بررسی کرده‌اند (دسته اول) این است که ابتدا به سراغ بررسی مشخصه‌های حقوقی انواع قراردادها رفته‌اند و از این دریچه وارد چالش‌های فقهی و حقوقی شده‌اند که آیا مثلاً این قرارداد بین بانک و مشتری، مشخصات اجاره را دارد یا قرض؟ خصوصیات وکالت را دارد یا جنبه‌های نوعی ودیعه (عینی یا کلی) در آن جاری است و یا ترکیبی از آنها؛ یعنی ودیعه به‌اضافه وکالت در تبدیل؟ یا اساساً آنها یک نوع قرارداد جدیدی با ماهیت جداگانه از قرض، ودیعه و وکالت هستند؟ مشکلی که همه این بررسی‌ها دارند این است که آنها بدون بررسی این حساب‌ها از منظر دوم، به سراغ حل مسئله رفته‌اند و حتی می‌توان گفت پیش‌فرض همه آنها این است که حساب‌های جاری پول نیستند و با این نگاه مسئله را بررسی کرده‌اند؛ بنابراین لازم بود این بحث را به‌طور دقیق‌تری و با روش دیگری (تبیین ابتدایی ماهیت سپرده‌های جاری از منظر رابطه این حساب‌ها و جامعه) بررسی کنیم تا تمام جوانب کار به‌خوبی سنجیده شود و درنهایت به داوری مناسبی نسبت به ماهیت این حساب‌ها برسیم.

1. <https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/shahidi/mostahdesch/96/970403/>

## ۲. ماهیت سپرده‌های بانکی از منظر رابطه بین حساب‌ها و جامعه

برای فهم ماهیت سپرده‌های بانکی نخست، باید مفهوم پول روشن شود. اما پیش از اینکه به مفهوم پول پردازیم، در گام اول، وظایف و ویژگی‌های آن را مطرح می‌کنیم؛ زیرا فهم کارکردهای یک پدیده، ساده‌تر از فهم ماهیت آن است. مثلاً همه ما می‌دانیم کارکرد یک خودرو چیست؛ ولی اگر از ما بخواهند تعریفی دقیق از ماهیت آن بیان کنیم، بسیار دشوارتر به نظر می‌رسد؛ ازاین‌رو در این بخش ابتدا با مرور وظایف و ویژگی‌های پول، در گام بعدی به بیان ماهیت آن می‌پردازیم تا در مرحله بعد به انواع پول مدرن و درنهایت ماهیت سپرده‌های بانکی را بررسی کنیم.

### ۲-۱. وظایف پول

پول به‌طور هم‌زمان چند وظیفه اساسی را انجام می‌دهد: پول «وسیله مبادله» بوده و مبادلات را تسهیل می‌کند؛ پول به‌عنوان «ذخیره ارزش»، روشی برای پس‌انداز آسان، ایمن و تعویق خرید کالا و خدمات در آینده است. خانواده‌ها با پس‌انداز پول، مصرف خود را در زمان‌های مختلف توزیع می‌کنند؛ پول «واحد شمارش» و روشی برای اندازه‌گیری ارزش نسبی کالا و خدمات است (نوپ، ۱۳۹۶، ص ۳۴)؛ و سرانجام، پول «کالایی عام» در کنار کالاهای خاص، یعنی پول خودش به یک کالا تبدیل شده است (مارکس، ۱۳۶۳، ص ۷۹).

از میان این وظایف، نقش اصلی و بی‌بدیل پول، «معیار محاسبه ارزش» بودن است؛ زیرا اولاً بسیاری از کالاها می‌توانند نقش ذخیره ارزش را بسیار بهتر از پول ایفا کنند؛ به‌ویژه در شرایط تورمی؛ ثانیاً واسطه‌گری برای مبادله، منحصر در پول نیست و دیگر کالاها هم می‌توانند واسطه مبادله شوند؛ هرچند ممکن است هزینه مبادله بالاتری داشته باشند. اما اگر معیاری برای محاسبه ارزش وجود نداشته باشد، نمی‌توان حتی دو کالا را با هم معاوضه کرد (درودیان، ۱۴۰۰، ص ۳۶-۳۷).

### ۲-۲. ویژگی‌های پول

با توجه به وظایف و کارکردهای پول، ویژگی‌هایی برای آن بیان شده که عبارت‌اند از: «امنیت»، آسان بودن جعل پول موجب می‌شود مردم به آن اعتماد داشته باشند و به‌عنوان وسیله مبادله پذیرفته شود (توسلی، ۱۳۹۷، ص ۹). ویژگی دوم، «دوام» است که موجب می‌شود نقش خود را به‌عنوان حفظ ارزش به‌خوبی ایفا کند. سومین ویژگی «انتقال‌پذیری» است که براساس قابلیت مبادله بی‌نام تبلور می‌یابد و موجب گسترش استفاده از پول می‌شود. آخرین و مهم‌ترین ویژگی پول

«تقسیم‌پذیری» آن است که این ویژگی موجب می‌شود پول به‌عنوان مقیاسی برای اندازه‌گیری همه کالاها و خدمات استفاده شود (سیرل، ۲۰۱۷، ص ۱۴۵۶). با شناخت وظایف و ویژگی‌های پول، اکنون نوبت به فهم ماهیت پول می‌رسد.

### ۲-۳. تعریف پول

با وجود اهمیت پول، درباره چستی و ماهیت پول، در میان اقتصاددانان نظرات و دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است. علت دشواری درک معنای کامل پول این است که پول صرفاً یک شیء فیزیکی خارجی نیست؛ بلکه یک رابطه اجتماعی معین و مشخص میان افراد جامعه است. ماده فیزیکی پول (طلا و نقره)، پول نیست و طبیعت نیز ایجادکننده پول نیست (مارکس، ۱۳۶۳، ص ۱۹۵). به‌همین علت در بسیاری از موارد، پول را به وظایف و ویژگی‌های آن تعریف می‌کنند. از این رو، متعارف‌ترین تعریفی که امروزه از پول می‌شود، توسط اقتصاددان بریتانیایی استنلی جوونز در سال ۱۸۷۵ ارائه شد. این تعریف مبتنی بر پولی است که برای انجام وظایف خاصی نیاز دارد تا به‌عنوان پول حساب شود؛ بنابراین می‌توان آن را کارکردگرایی نامید (سودربرگ، ۲۰۱۸، ص ۳). این مکتب فکری مسلط که بیشتر اقتصاددانان جریان اصلی با آن موافق هستند، می‌گوید: پول هیچ ویژگی منحصربه‌فرد یا خاصی ندارد؛ بلکه در عوض با وظایف و نقش‌هایش تعریف می‌شود (سامونلسون و نوردهاوس، ۲۰۰۱، ص ۵۱۱).

به‌عنوان مثال، تد نوپ<sup>۱</sup> می‌نویسد: اقتصاددانان به هر دارایی که عموماً جهت پرداخت در مقابل کالا یا بازپرداخت بدهی موردپذیرش باشد، پول می‌گویند؛ در نتیجه پول می‌تواند کالا، طلا، اسکناس و یا حساب بانکی باشد (۱۳۹۶، ص ۳۴). در همین راستا، اگر تعریف میشکین را کمی تعدیل کنیم، می‌توان چنین تعریفی ارائه داد و گفت: پول هر چیزی است که در خرید کالاها و خدمات و یا بازپرداخت دیون، به‌عنوان وسیله پرداخت [و یا واحد سنجش] موردپذیرش عموم قرار می‌گیرد (میشکین، ۲۰۱۹، ص ۹۹).

براساس این نظریه، پول باید سه وظیفه اساسی را انجام دهد: وسیله پرداخت، واحد محاسبه و ذخیره ارزش. ابزار پرداخت به‌این معناست که خریدار به‌جای تهاتر بین کالاها و خدمات، به فروشنده پول پرداخت می‌کند. واحد محاسبه به‌این معناست که پول باید معیار مشترک ارزش کالاها و خدمات مختلف در یک اقتصاد باشد و سرانجام ذخیره ارزش به این معناست که ارزش پول نباید تغییر محسوسی داشته باشد. بنابراین، تصمیم فرد برای استفاده از پول، خود، نباید تحت

1. Todd A Knoop

تأثیر تغییر ارزش آن قرار گیرد (منکیو، ۲۰۱۲، ص ۳۲۵). شاید یکی از دلایل تعریف پول به مصادیق، وظایف و کارکردها و عدم تعریف به ماهیت، وجود مصادیق متعدد پول از ابتدای ابداع تاکنون بوده که یافتن مفهوم مشترکی میان آنها، کار را دشوار می‌کند. مصادیقی مانند چارپایان، دندان نهنگ، صدف، تنباکو، سنگ، فلز، اسکناس، سپرده‌های بانکی و پول الکترونیکی که در زمان و مکان‌های مختلف به‌عنوان پول استفاده شده‌اند (حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۹۴، ص ۲۳).

باوجود این مصادیق متعدد و پراکنده برای پول، مکتب‌های دیگری تلاش کردند با ارائه مفهومی برای پول، درباره علت ارزش و اعتبار پول نظریاتی ارائه دهند که در ادامه به‌طور مختصر به دو مکتب اصلی اشاره می‌شود. دیگر نظریات به‌نوعی انشعابات این دو مکتب هستند. فلزگرایی<sup>۱</sup> به‌عنوان نخستین مکتبی که شکل گرفت، محوری‌ترین کارکرد پول را واسطه مبادله بودن آن تلقی می‌کنند و از این رو پول را کالایی مشابه دیگر کالاها می‌دانند که دو سطح دارد: پول یک کالای خاص است مانند سکه‌های طلایی و یا رسیدی است که پشتوانه کالایی دارد؛ مانند اسکناس که به پشتوانه طلا ایجاد می‌شود (سزارنو، ۲۰۱۴، ص ۱۸۲). از این جهت، شاید بتوان دیدگاه مکتب اتریش را در این دسته دانست (منگر، ۱۸۹۲، ص ۳۸). مکتبی که در مقابل فلزگرایی شکل گرفت، مکتب سندگرایی<sup>۲</sup> بود. در دیدگاه تعدیل‌شده آنها که درودیان (۱۴۰۰) سعی در تبیین آن دارد، پول یک سند بدهی است که به‌دلیل اعتبار بالای ناشر آن و پذیرش عمومی، در تسویه مبادلات استفاده می‌شود. پول برای ناشر آن بدهی و برای دارنده آن اعتبار است (چرنوا، ۲۰۰۶، ص ۷۰).

جدول ۱. نظریه‌های مختلف در مورد پول

مکتب	توضیح
کارکردگرایی	پول چیزی است که به‌عنوان وسیله مبادله، واحد محاسبه و ذخیره ارزش به شمار می‌رود.
فلزگرایی	پول یا خود یک کالای با ارزش بازاری است و یا سندی است که نماینده آن کالا است.
سندگرایی	پول سند بدهی است که به‌سبب اعتبار بالای ناشر آن، در تسویه مبادلات پذیرفته می‌شود.

منبع: یافته‌های تحقیق

بنابراین، چنان‌که در جدول ۱ نشان داده شد، به‌طور کلی، با سه تعریف از پول مواجه هستیم: تعریف مکتب کارکردگرایی، مکتب فلزگرایی و تعریف مکتب سندگرایی. ناگفته نماند که در این تحقیق به‌دنبال قضاوت در مورد این تعاریف نیستیم و در این گام از تحقیق صرفاً به‌دنبال تبیین سه مکتب کلان برای تعریف پول بودیم.

1. Metallism  
2. Chartalism

## ۲-۴. انواع پول مدرن

با این تعاریف پول، در گام بعدی به دنبال فهم مصادیق پول می‌رویم. اگرچه هدف اصلی این نوشتار، بررسی ماهیت سپرده‌های بانکی است، ولی فهم اجمالی دیگر ابزارهای پرداخت می‌تواند ما را درک بهتر سپرده‌های بانکی کمک کند.

**الف) پول رایج:** تردیدی درباره سکه و اسکناس‌هایی که از ناحیه بانک مرکزی صادر می‌شود، وجود ندارد و چون در اذهان جامعه، حاکمیت پشتوانه آن است، به طور عمومی، به عنوان واسطه مبادله شناخته شده‌اند. هرچند عده‌ای مانند (عالی پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۶، ص ۶۸-۶۹) سکه و اسکناس‌ها را بدهی بانک مرکزی به دارندگان آنها می‌دانند، ولی در دنیای امروز و بعد از قطع ارتباط رابطه پول با طلا، دیگر این پول‌ها بدهی بانک مرکزی نیستند؛ اگرچه در ترازنامه بانک مرکزی در طرف بدهی ثبت می‌شوند.

**ب) ذخایر بانک مرکزی (بدهی بانک مرکزی به بانک‌های تجاری):** بانک‌های تجاری دو دسته ذخایر نزد بانک مرکزی دارند: ذخایر قانونی که بانک مرکزی، بانک‌های تجاری را ملزم به نگهداری درصدی از سپرده‌ها می‌کند و ذخایر اضافی یا احتیاطی که خود بانک‌ها در اختیار بانک مرکزی قرار می‌دهند (هابیل و همکاران،<sup>۱</sup> ۲۰۱۷، ص ۵۲۲-۵۳۲). این ذخایر را نیز می‌توان به عنوان پول خاص در یک بازار خاص (بازار بین‌بانکی) دانست؛ زیرا بانک‌ها در مبادلات بین خود، هرگز سپرده‌های بانکی را قبول نمی‌کنند و تنها از این ذخایر استفاده می‌کنند؛ از این رو این مورد را می‌توان تا حدود زیادی مشمول تعاریف پول دانست.

**ج) رمزارزها:** از معروف‌ترین مصادیق این پول‌ها بیت‌کوین<sup>۲</sup> است که به طور کلی، دارای مشخصه‌هایی مانند عدم انحصار تولید این رمزارزها توسط دولت‌ها، سیستم غیر متمرکز تولید و مبادله آنها، عدم امکان نظارت توسط دولت‌ها، فقدان پشتوانه پولی و تبدیل شدن به کالای سرمایه‌ای هستند؛ یعنی این پول‌ها صرفاً به جهت پذیرش عمومی پذیرفته شده‌اند نه اعتبار دولت یا هر نهاد دیگر (دی‌پیرو، ۲۰۱۷، ص ۹۲-۹۳). البته در مورد پول بودن یا نبودن رمزارزها مباحثی مطرح شده که باید آن را در تحقیقات مستقلی جستجو کرد.<sup>۳</sup>

1. Abel, Blanchard, Ben Bernanke, and Croushore

2. Bitcoin

۳. در این رابطه می‌توان به کاربرد و همکاران (۲۰۱۹) مراجعه کرد.

د) سپرده‌های بانکی و پول‌های الکترونیکی: تقریباً قاطبه اقتصاددانان معاصر این مورد را از مصادیق پول می‌دانند. دامنه آن را تا سپرده‌های جاری، سپرده‌های پس‌انداز و اوراق بانکی گسترش می‌دهند که از سوی سرمایه‌گذاران خریداری می‌شود. آنها مدعی هستند که پول امروز که اکثراً به شکل سپرده‌های بانکی به نحو الکترونیکی است و توسط خود بانک‌های تجاری ایجاد می‌شوند، نوع خاصی از بدهی است که به عنوان واسطه مبادله در اقتصاد پذیرفته می‌شود (آداک، ۲۰۱۷، ص ۳).

جدول ۲. اجزای نقدینگی و سهم سکه و اسکناس در سال‌های ۱۳۹۳ تا سه‌ماهه سوم ۱۴۰۰

سال	سکه و اسکناس (هزار میلیارد ریال)	سپرده‌های دیداری (هزار میلیارد ریال)	شبه پول (هزار میلیارد ریال)	کل نقدینگی (هزار میلیارد ریال)	سهم سکه و اسکناس از کل نقدینگی
۱۳۹۳	۳۵۱٫۷	۸۵۵٫۹	۶۶۱۶٫۳	۷۸۲۳٫۸	۴٫۵٪
۱۳۹۴	۳۷۱٫۹	۹۹۵٫۱	۸۸۰۵٫۸	۱۰۱۷۲٫۸	۳٫۷٪
۱۳۹۵	۳۹۳٫۳	۱۲۳۷٫۰	۱۰۹۰۳٫۶	۱۲۵۳۳٫۹	۳٫۱٪
۱۳۹۶	۴۲۲٫۷	۱۵۰۴٫۰	۱۳۳۵۳٫۱	۱۵۲۹۹٫۸	۲٫۷٪
۱۳۹۷	۵۴۷٫۵	۲۳۰۴٫۸	۱۵۹۷۶٫۶	۱۸۸۲۸٫۹	۲٫۹٪
۱۳۹۸	۶۱۱٫۴	۳۶۶۱٫۶	۲۰۴۴۸٫۵	۲۴۷۲۱٫۵	۲٫۴٪
۱۳۹۹	۷۳۵٫۰	۶۱۷۴٫۶	۲۷۸۵۲٫۱	۳۴۷۶۱٫۷	۲٫۱٪
سه‌ماهه سوم ۱۴۰۰	۷۳۸٫۸	۸۰۴۰٫۲	۳۵۴۹۰٫۹	۴۴۲۶۹٫۹	۱٫۶٪

مأخذ: نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۹۱ و ۱۰۶

داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد در سال‌های ۱۳۹۳ تا سه‌ماهه سوم ۱۴۰۰ حجم سکه و اسکناس در ایران از ۴٫۵ درصد کل نقدینگی به ۱٫۶ درصد کاهش یافته و به تبع، حجم سپرده‌های بانکی افزایش یافته است. به طور کلی، توجیه اینکه معمولاً این نوع پول از حجم بیشتری نسبت به وجه رایج برخوردارند، می‌تواند این باشد که اولاً مردم به دلایل امنیتی می‌خواهند دارایی‌های خود را به صورت سپرده در بانک ذخیره کنند؛ ثانیاً مردم علاقه‌ای به ذخیره تمام دارایی‌های خود به صورت اسکناس و فیزیکی ندارند [و به خاطر راحتی و سرعت در انتقال، سپرده‌های بانکی را ترجیح می‌دهند]؛ ثالثاً پول نقد همراه با سود نیست؛ ولی این سپرده‌ها معمولاً دارای بهره و سود - هرچند ناچیز - هستند (عالی‌پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۶، ص ۷۱) و رابعاً برای معاملات بزرگ چاره‌ای جز استفاده از این نوع پول به جای وجه رایج نیست. خامساً به علت رشد دولت الکترونیک، بیشتر پرداخت‌ها به صورت الکترونیکی و با استفاده از سپرده‌های بانکی است.

## ۲-۵. دیدگاه‌ها در مورد سپرده‌های جاری از منظر رابطه بین این حساب‌ها و جامعه

چنان‌که بیان شد، برای فهم دقیق موضوع این تحقیق، ابتدا باید ماهیت سپرده‌های جاری از نقطه نظر رابطه بین این حساب‌ها و جامعه بررسی کرد. در قسمت قبل فهم عمده اقتصاددانان را به نحو کاملاً اجمالی بیان کردیم و در این قسمت قصد داریم به نحو گسترده‌تری به آن بپردازیم. برای این منظور، دیدگاه‌های مختلف را در این باب نقل می‌کنیم و مورد نقض و ابرام قرار می‌دهیم. به طور کلی، دو نظر کلان در این رابطه وجود دارد: کسانی که این سپرده‌ها را پول نمی‌دانند و کسانی که آن را پول می‌دانند.

### ۲-۵-۱. قائلان به پول نبودن سپرده‌های جاری

گاه گفته می‌شود که این حساب‌ها، حواله به اسکناس هستند و به عبارتی، حساب‌های بانکی یک نوع کلی است و تا زمانی که به سکه و اسکناس تبدیل نشوند، جزئی نمی‌شوند؛ پس پول - که یک امر جزئی است - به شمار نمی‌روند و در نتیجه در پرداخت وام به اشخاص، به صرف شارژ حساب به معنای افزایش اعداد حساب، قبض حاصل نمی‌شود؛ چون قبض یک امر کلی، بی‌معناست و از این رو باید تبدیل به اسکناس و سکه شود تا قبض حاصل شود. چنان‌که روشن است اگر حساب‌های بانکی را پول ندانیم، چنین بحثی مطرح می‌شود؛ ولی اگر گفتیم آنها پول هستند، از حالت کلی خارج و به جزئی تبدیل می‌شوند و قبض آنها نیز هیچ مشکلی نخواهد داشت.

مشکل اصلی این نظریه آن است که قائلان آن سعی دارند موضوعات را در چارچوب‌های پیش ساخته خود تحلیل کنند و اساساً دریافت‌های عرفی و حتی کارشناسان آن موضوع (اقتصاددانان) را نادیده می‌گیرند. در حالی که این عرف است که موضوعات را اولاً و بالذات درک می‌کند و در شرایط پیچیده‌تر، این متخصصان هستند که آن موضوع تبیین می‌کنند. این چگونه تبیینی است که نه عرف و نه متخصصان آن را تأیید می‌کنند؟ ضمن اینکه با تبیین نظریه منتخب، اشکالات این نظریات بهتر درک می‌شوند.

### ۲-۵-۲. قائلان به پول بودن سپرده‌های جاری

بیشتر اقتصاددانان معاصر سپرده‌های جاری را از مصادیق پول می‌دانند و از این رو، همانند میشکین آن را به عنوان یکی از اعضای مهم M1 معرفی می‌کنند (میشکین، ۲۰۱۹، ص ۱۰۶) و تصریح می‌کنند که بانک‌ها از طریق پرداخت وام، سپرده ایجاد می‌کنند و از این سپرده‌ها به عنوان پول استفاده می‌شود (نایتو، ۲۰۲۰، ص ۱۳۲). آنها به طور مطلق سپرده‌های جاری را در کنار سکه و

اسکناس قرار می‌دهند و در بحث پول بودن تفاوت ماهوی بین این دو قائل نمی‌شوند؛ نهایت چیزی که مطرح می‌کنند تفاوت در نهاد منتشرکننده آنهاست که نهاد منتشرکننده یکی، بانک مرکزی است و نهاد منتشرکننده دیگری، بانک‌های تجاری است.

اشکال این است که این نظریه منطقی‌تر نمی‌تواند هجوم بانکی، بازار بین‌بانکی و مراودات مالی بانک‌ها با بانک مرکزی را تبیین کند. اگر سپرده‌های جاری پول هستند، چرا باید هجوم بانکی اتفاق بیفتد؟ وقتی مردم برای دریافت سپرده‌های خود به بانک هجوم می‌آورند، ظاهراً برای نقد کردن طلب خود اقدام می‌کنند؛ درحالی‌که اگر بدهی بانک پول باشد، نقد کردن آنچه معنا دارد؟ ازسوی دیگر اگر سپرده‌های جاری پول هستند، چرا در بازار بین‌بانکی و مراودات مالی بانک‌ها با بانک مرکزی این پول اعتباری ندارد و هیچ بانکی حاضر به دریافت آن در قبال مطالبات خود نیست؟ چرا مردم و حتی دولت‌ها آن را می‌پذیرند؛ ولی بانک‌ها و بانک مرکزی از پذیرش آن سر باز می‌زنند؟

### ۲-۵-۳. نظریه پول خصوصی و نظام چند پولی مدرن

برای تبیین این نظریه بهتر است از این جهت به موضوع نگاه کنیم که پول‌های الکترونیکی مانند هر پدیده مدرن را باید از جهت خاص خودش نگاه کرد و نباید آنها را در چارچوب‌های گذشته دید. این پول‌ها دو جنبه دارند: از آن جهت که مردم از آنها استفاده می‌کنند، کاملاً از حالت بدهی بودن خارج شده‌اند و خود به پول مستقلی در کنار سکه و اسکناس تبدیل شده‌اند. نگاه عرف، حقوق‌دانان و اقتصاددانان به این حساب‌ها این امر را تأیید می‌کند.

تبیین پول بودن سپرده‌های بانکی از نظر اقتصاددانان روشن است؛ زیرا طبق تعریف کارکردگرایی پول، این حساب‌ها از یک سو تمام وظایف پول یعنی «وسیله مبادله»، «ذخیره ارزش»، «واحد شمارش» و «کالای عام» بودن را دارند و ازسوی دیگر، دارای تمام ویژگی‌های پول اعم از «دوام»، «امنیت»، «انتقال‌پذیری» و «تقسیم‌پذیری» نیز هستند. از این رو تفاوت ماهوی و کارکردی بین این پول‌ها و اسکناس وجود ندارد؛ زیرا اسکناس‌ها هم زمانی نماینده مقدار مشخصی از طلا بودند و سپس از این حالت خارج شدند و خود به پول مستقل (نه رسید) تبدیل شدند. اگر دیگر تعاریف پول را در نظر بگیریم، باز هم طبق مبنای فلزگرایی می‌توان گفت این سپرده‌های جاری به یک کالا و مال اعتباری تبدیل شده‌اند؛ براساس تبیین سندگرایی نیز این سپرده‌ها که سند بدهی بانک‌ها هستند، موردپذیرش عموم قرار گرفته‌اند و به یک اعتبار عمومی در دست صاحبان آنها تبدیل شده‌اند. به عبارتی، هرگاه بدهی دولت یا هر ناشر معتبر، تبدیل به پول مناسبی شود، دیگر نباید آن را به‌عنوان

بدهی در نظر گرفت؛ زیرا ماهیت یک بدهی قابل اجرا، چیزی غیر از خود آن بدهی است؛ در حالی که این حساب‌ها خودشان به ابزار مبادله تبدیل شده‌اند (کرگل، ۲۰۱۹، ص ۹۰).

و اما از نظر حقوق دانان، طبق چارچوب‌های حقوقی، از آنجاکه اعتبار هر دو نوع پول (اسکناس و حساب‌های الکترونیکی) از یک منشأ ناشی می‌شوند و هر دو را بانک مرکزی تضمین اعتبار کرده است، تفاوت حقوقی باهم ندارند و صرفاً دو نوع و دو مصداق از پول هستند (عبدی‌پور، ۱۳۸۹، ص ۸۱).

نگاه عرف نیز یک نگاه کارکردی و عمل‌گرایانه است. عرف وقتی می‌بیند همیشه از همین پول می‌توان استفاده کرد و نه تنها هیچ‌گاه نیاز به تبدیل آن به اسکناس احساس نمی‌کند، بلکه انگیزه‌های بیشتری برای تبدیل اسکناس به این نوع پول‌ها را دارد، در عمل خود آن را به‌عنوان پول می‌شناسد نه بدهی بانک. در عرف عبارات‌هایی همچون «انتقال پول از طریق کارت به کارت» به‌کار برده می‌شود، نه انتقال بدهی یک بانک؛ حتی اگر به آنها گفته شود این حساب‌ها بدهی بانک هستند، باز هم در رفتار و عمل عرف تغییری ایجاد نمی‌کند. به عبارتی باید توجه داشت که نیاز مردم به پول، یک نیاز اصیل نیست و پول به‌خودی‌خود هیچ فایده برای دارنده آن ندارد؛ بلکه فایده پول، واسطه‌گری در مبادلات و امکان ذخیره ارزش اقتصادی است؛ از این‌رو آنچه برای مردم مهم است، کارکرد پول است نه شکل و جنس آن. برای مردم اهمیتی ندارد جنس پول از طلا باشد، یا کاغذ و یا چند عدد و رقم ثبت شده در حساب بانکی؛ آنچه اهمیت دارد این است که نگهداری پول از امنیت کافی برخوردار بوده و در مبادلات به‌سادگی قابل انتقال به غیر باشد.

و اما جنبه دومی که حساب‌های الکترونیکی دارند، این است که از آن جهت که بانک مرکزی و دیگر بانک‌ها با آنها مواجه می‌شوند، آن را بدهی بانک صادرکننده می‌دانند و از این‌رو در مبادلات بین بانکی و تبادل بانک‌ها با بانک مرکزی، کارایی ندارند؛ به همین علت پدیده‌ای به‌نام بدهکار شدن بانک و ورشکستگی معنا پیدا می‌کند؛ زیرا اگر این حساب‌ها از هر جهت پول باشند، ورشکستگی بانک معنا ندارد. مثلاً اگر بانکی دارای دستگاه چاپ اسکناس باشد، تحت هیچ شرایطی بدهکار و ورشکسته نمی‌شود.

با این توضیحات می‌توان گفت سپرده‌های بانکی نوعی «پول خصوصی» هستند که هر بانک به‌طور مستقل و با شناسنامه خاص خود آن را ایجاد می‌کند. هرچند در عملیات ترازنامه‌ای همچنان در قسمت بدهی ثبت می‌شوند؛ چنان‌که پول انتشار شده از ناحیه بانک مرکزی نیز هنوز هم در قسمت بدهی ثبت می‌شود، با اینکه دیگر بدهی واقعی بانک مرکزی نیستند. از آنجاکه عرف جامعه تفاوت پول صادر شده توسط بانک «الف» و بانک «ب» را نمی‌داند و اساساً به‌لحاظ کارکردی، چون این تفاوت را به رسمیت نمی‌شناسند - زیرا بانک مرکزی همه آنها را تضمین کرده

است - همه را یکسان می‌پندارند و از این رو نه تنها بین آنها و اسکناس تفاوتی نمی‌بینند؛ بلکه به دلایلی که مطرح شد، امروزه آنها را بر اسکناس نیز ترجیح می‌دهند؛ ولی چون برای خود بانک‌ها و بانک مرکزی تفاوت این پول‌ها یک تفاوت مهم و کارکردی است - زیرا تضمین بانک مرکزی فقط شامل همه بخش‌های اقتصاد به جز خود بانک‌ها می‌شود - از این رو بانک‌ها، این پول‌ها را به عنوان پول صادرکننده همان بانک می‌دانند؛ یعنی یک نحوه «پول خصوصی» است که هر بانک مستقلاً صادر می‌کند. از این جهت مانند ارزهای کشورهای است که برای مردم همان کشور اعتبار دارد؛ ولی برای دیگر کشورها به خودی خود اعتبار ندارد، مگر به واسطه قراردادهای بین‌المللی شدن یک ارز به واسطه پذیرش عمومی.

بنابراین، ما با یک سلسله‌مراتبی از پول‌ها طرف هستیم که در رأس این هرم پول دولتی قرار دارد و در پایین آن پول‌های خصوصی صادر شده از ناحیه بانک‌های خصوصی قرار دارند. شاید منظور مینسکی (۱۹۸۶) از بیان سلسله‌مراتب پول همین بود که گفت اگر پول بدهی باشد، هرکسی می‌تواند پول منتشر کند. اگرچه پول، به عنوان یکی از اقلام ترازنامه، یک دارایی برای دارنده و یک بدهی برای ناشر آن است، ولی مسئله حائز اهمیت، ظرفیت ایجاد بدهی نیست؛ بلکه توانایی القای این اندیشه به دیگران برای نگهداری آن است. پول‌های مختلف درجات پذیرش متفاوتی دارند که نشان‌دهنده ترتیب سلسله‌مراتبی بدهی‌هاست (مینسکی، ۱۹۸۶، ص ۲۲۸).

### ۳. ماهیت سپرده‌های بانکی از منظر رابطه بین مشتری و بانک

چنان‌که در ابتدا بیان شد، در این رابطه ده‌ها مقاله، پایان‌نامه و کتاب نگارش شده و در طی آن، دیدگاه‌های زیادی مطرح شده که به اجمال این اشکال بر همه آنها وارد است که آنها پول بودن این حساب‌ها را لحاظ نکرده‌اند؛ بنابراین با توجه اینکه اساس فهم ماهیت «سپرده‌های بانکی از منظر رابطه بین مشتری و بانک» مبتنی بر فهم ماهیت «سپرده‌های بانکی از منظر رابطه بین این حساب‌ها و جامعه» است؛ از این رو به طور مفصل درباره این رابطه بحث شد تا مسیر پاسخ به سؤال اصلی این پژوهش هموار شود. حال باید ببینیم اگر مشتری بانک، اسکناس به بانک تحویل دهد و حساب جاری باز کند، چه اتفاقی رخ می‌دهد.

با این توضیحات روشن شد هنگامی که مردم از بانک اسکناس دریافت می‌کنند، در واقع، یک نوع پول داده‌اند و نوع دیگری را گرفته‌اند و برعکس، هنگامی که با تحویل اسکناس به بانک، حساب جاری خود را افتتاح می‌کنند یا افزایش موجودی می‌دهند، باز هم یک نوع پول را داده‌اند و نوع دیگری را گرفته‌اند. در واقع، با افتتاح حساب جاری از طریق پرداخت اسکناس، نوعی پول

(پول کاغذی بانک مرکزی) تحویل می‌دهند و نوع دیگری از پول (پول خصوصی بانکی) را تحویل می‌گیرند و اگر افتتاح حساب به سبب فروش یک دارایی غیر پولی مثل فروش ملک به بانک باشد، ملکی داده شده و پول خصوصی آن بانک را تحویل گرفته است؛ از این رو از اساس نه ودیعه‌ای در کار است و نه وکالت و یا هر عنوان مشابهی مانند قرض و شبه آن؛ تنها مبادله‌ای میان دو نوع پول اتفاق افتاده است.

### ۳-۱. دلالت‌ها این رویکرد

در ادامه، دلالت‌های این رویکرد در دو باب «بررسی‌های فقهی حکم اصل وجود نظام بانکداری ذخیره جزئی» و «ضمان و عدم ضمان بانک در هنگام کاهش ارزش پول» مرور می‌شود.

#### ۳-۱-۱. در باب بررسی‌های فقهی حکم اصل وجود نظام بانکداری ذخیره جزئی

در بررسی‌های فقهی در موضوع خلق پول، ادله متفاوتی برای حرمت آن بیان شد که پیش‌فرضا کثر آنها پول نبودن حساب‌های جاری است. در ادامه مروری اجمالی بر آنها می‌شود. ناگفته نماند که نگارنده این متن، بسیاری از این استدلال‌ها را به‌طور شفاهی در بعضی از نشست‌های علمی درباره خلق پول شنیده است.

گاه گفته شده بانک صرفاً با یک عملیات ترازنامه‌ای، یک سری اعداد ایجاد می‌کند و در مقابل آن حاصل دسترنج مردم را تصاحب می‌کند؛ یعنی مردم باید کار کنند تا بدهی خود که یک سری اعداد خیالی و باطل است را به بانک پرداخت کنند و از این رو مصداق اکل مال بالباطل است. بعضی دیگر از نویسندگان این‌طور استدلال کرده‌اند که چون بانک‌های تجاری، از طریق ایجاد سپرده‌های بدون پشتوانه نقدی و دوباره وام دادن به پشتوانه همان سپرده‌ها (و بی‌اذن صاحبان سپرده‌ها)، اقدام به خلق پول می‌کنند، بنابراین بانک‌ها در واقع، چیزی را می‌فروشند که مالک آن نیستند. پس خلق پول توسط بانک‌های تجاری مصداق «اکل مال بالباطل» است (عیسوی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۱۸). در بعضی از صور خلق پول، گاه همانند شهید صدر رحمته‌الله وجود شرط قبض را برای قرض، احراز نشده تلقی می‌کنند (صدر، ۱۳۸۸، ص ۱۰۰-۱۰۳). به‌دیگرسخن، چون حساب‌های بانکی حواله هستند و حواله، یک امر «کلی» است و تا زمانی که به سکه و اسکناس تبدیل نشوند، جزئی نمی‌شوند؛ پس پول - که یک امر جزئی است - به‌شمار نمی‌روند و در نتیجه در پرداخت وام به اشخاص، به‌صرف شارژ حساب به معنای افزایش اعداد حساب، قبض حاصل نمی‌شود؛ چون قبض یک امر کلی، بی‌معناست و از این رو، باید تبدیل به اسکناس و سکه شود تا قبض حاصل شود.

می‌توان گفت از آنجاکه پول بانکی در واقع، بدهی بانک‌هاست و آنها پرداخت نقدی اعتبارات بانکی را ضمانت کرده‌اند، پس مثل این است که بانک از طریق ضمانت، کسب درآمد کرده باشد. با توجه به اینکه طبق بعضی از روایات کسب درآمد از طریق ضمانت، ممنوع شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۴۲۷)، پس کل درآمد بانکی اعم از اصل پول خلق شده و سود مشارکت آن باطل خواهد بود. استدلال مشابهی برای بعضی از روایات بیان شده (همان، ج ۱۹، ص ۲۳) و گفته شده می‌توان این‌طور حکم شارع را فهمید که شارع نمی‌خواهد با بدهی فعالیت اقتصادی شود.

در بعضی موارد نیز گفته شده که بانک از راه اعتباری که نزد مردم دارد کسب درآمد می‌کند و اگر این اعتبار نبود، نمی‌توانست به چنین درآمدهایی برسد. این عمل مصداقی از «شرکت وجوه» است و از آنجاکه شرکت وجوه بالاجماع باطل است، از این‌رو، این کار جایز نیست. گاه هم گفته شده که طبق حدیثی که از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده، ایشان بیع رسیده‌های پول بین مردم را نادرست می‌دانستند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۷۰)؛ از این‌رو با توجه به اینکه بانک اعتبار خود را معامله می‌کند، چنین عملی جایز نیست.

فارغ از اینکه احادیث گفته شده را از جهت سند و دلالت موردنظر بررسی کنیم، اشکال اساسی این استدلال‌ها این است که همان‌طور که گذشت، پول بانکی در واقع، بدهی نیست و خودش تبدیل به یک نوع «پول خصوصی» شده و مردم از آنها به‌عنوان بدهی بانک استفاده نمی‌کنند؛ بلکه به‌عنوان پول استفاده می‌کنند. هرچند در عرف زمان شهید صدر (رحمته الله علیه) حساب‌های جاری پول نبودند و از این‌رو، در بعضی از صور، شرط قبض در قرض احراز نمی‌شود، ولی با الکترونیکی شدن بانکداری، اکنون صرف افزایش حساب، قبض پول به شمار می‌آید. بنابراین، اگر این حساب‌ها را پول دانستیم، دیگر از حالت یک امر «کلی» خارج می‌شوند و به امر «جزئی» تبدیل می‌شوند و قبض آنها نیز هیچ مشکلی نخواهد داشت.

از سوی دیگر، کشف تلقی عرف از طریق تحلیل رفتارهایی امکان‌پذیر است که مردم در ارتباط با حساب‌های بانکی خود انجام می‌دهند. به‌عنوان نمونه، شخصی که مبلغی را از بانک وام می‌گیرد، به محض شارژ شدن مبلغ وام در حساب خود، آن مبلغ را قبض شده تلقی می‌کند و برای قبض مبلغ وام به‌صورت اسکناس، به بانک مراجعه نمی‌کند. تلقی عرف نسبت به چنین وامی این است که عقد قرض به محض شارژ شدن حساب او انجام گرفته و چنین نیست که صحت آن را منوط به قبض فیزیکی مبلغ وام بدانند. پرداخت مبلغ وام توسط وام‌گیرنده به شخصی دیگر، عرفاً حواله به بانک و اعطای وکالت در قبض نیست؛ بلکه واقعاً پرداخت به‌شمار می‌رود و شخص

پرداخت‌کننده بری الذمه تلقی می‌شود. بانک نیز شروع وام را از لحظه شارژ حساب وام‌گیرنده می‌داند نه زمانی که آن مبلغ به صورت اسکناس توسط وام‌گیرنده یا وکیل او از بانک دریافت شود، چه بسا این مبلغ ماه‌ها در میان دارندگان حساب‌های بانکی به صورت الکترونیکی جابه‌جا شود و هیچ‌یک از آنها اقدام به نقد کردن این اعتبار نکنند؛ هرچند در خود همین تعبیر نقد کردن مسامحه وجود دارد و در واقع، تغییر یک نوع پول (پول الکترونیکی) به پول دیگری (پول کاغذی) است. با وجود این، شخص وام‌گیرنده نمی‌تواند ادعا کند که هنوز مبلغ قرض قبض نشده و عقد قرض هنوز محقق نشده است. با وجود این، عرف هیچ‌گاه «چک بانکی» را به عنوان پول نمی‌شناسد؛ حتی اگر یک چک تضمینی باشد.<sup>۱</sup>

### ۳-۱-۲. در باب ضمان و عدم ضمان بانک در هنگام کاهش ارزش پول

هنگامی که مشتری در بانک اقدام به افتتاح حساب می‌کند و مقداری اسکناس به متصدی تحویل می‌دهد، اگر رابطه بین مشتری و بانک به نحو قرض تبیین شود، طبق مبنای کسانی که «جبران ارزش پول را در قرض لازم می‌دانند»،<sup>۲</sup> هنگامی که مشتری اقدام به پس‌گرفتن پول خود از بانک نمود، بانک باید پول مشتری را به اضافه تورم پرداخت کند تا ارزش واقعی آن را پرداخت کرده باشد. به عنوان مثال، شهید صدر رحمته‌الله معتقد است که بانک باید متعهد به ارزش پولی باشد که در طول زمان و به واسطه تورم، ارزش حقیقی آن کاهش یافته است (صدر، ۱۳۵۸، ص ۲۷). مگر آنکه بانک از ابتدا شرط کند که همین ارزش اسمی را پرداخت کند و اضافه‌ای پرداخت نکند. گفتنی است اگرچه طبق مبنای این دسته از اندیشمندان پولی که بانک پرداخت می‌کند، در واقع، کمتر از ارزش واقعی پولی است که دریافت کرده است، ولی با وجود این ربا نخواهد بود؛ چون ربا این است که قرض دهنده شرط دریافت زیاده کند؛ اما در اینجا قرض‌گیرنده (بانک) شرط می‌کند که کمتر پرداخت کند و این ربا نیست. با وجود این، چنین شرطی در قراردادهای بانکی نیست، مگر آنکه گفته شود ارتکاز عرفی از این قرض همین است که مشتری صرفاً ارزش اسمی پول خود را از بانک طلبکار است.

۱. همین داستان زمانی در مورد سکه و اسکناس جاری بود؛ چنان‌که سید یزدی رحمته‌الله در عروه در مورد اسکناس گفته است: اسکناس خودش دارای قیمتی معین شده است و دیگر حکم طلا و نقره را نمی‌توان بر آن جاری کرد. ولی برات [یا چک] همچنان سند، نماینده و علامت است و از این رو، اگر حاکی از مقدار مشخصی طلا یا نقره باشد، احکام طلا و نقره بر آن جاری می‌شود (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۸).

۲. کسانی مانند صدر (۱۳۵۸)، هاشمی شاهرودی، (۱۳۷۴)، مدرسی یزدی (۱۳۹۶) و شهیدی (۱۴۰۰) قائل به این نظریه هستند.

برای فرار از ضمانت بانک، گاه به قاعده فقهی «اقدام» استناد شده و به این صورت مطلب را تقریر کرده‌اند که چون مردم با علم به وجود تورم، باز هم پول نقد نگهداری می‌کنند، اقدام به ضرر خویش نموده‌اند و از این رو، هیچ‌کس ضامن نیست. موسویان و میثمی (۱۳۹۷) درباره جبران کاهش ارزش سپرده‌های بانکی می‌نویسند: بعد از سررسید پول به دلیل از بین رفتن اقدام، در صورتی که کاهش ارزش پول به نحوی باشد که عرف به آن اعتنا کند، باید جبران شود؛ ولی پیش از سررسید نیازی به جبران کاهش ارزش پول نیست و این به علت حکومت و تقدم قاعده اقدام بر لاضرر است؛ زیرا فرد می‌تواند به جای قرض، از عقود دیگری استفاده کند و با وجود یک سابقه ذهنی نسبت به شرایط تورم دائمی در اقتصاد ایران، باز هم اقدام به قرض می‌کند؛ بنابراین ضرر ناشی از تورم را نیز پذیرفته است (موسویان و میثمی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۳۴۱-۳۴۳).

پیچیدگی تقریر اول که بسیار روشن است و اما در مورد استناد به قاعده «اقدام» در پاسخ گفته می‌شود که گاه اقدام ناشی از یک اکراه و اجبار اجتماعی است و شخص به دلیل یک فشار اجتماعی و یا به خاطر اینکه مسیر جامعه به سمت و سویی رفته که اکنون مجبور به یک انتخاب خاص است، دست به کاری می‌زند. این مورد مشمول این قاعده نمی‌شود و مبنای قانون کار در جمهوری اسلامی ایران همین است که یک دستمزد حداقل معین می‌کند. علامه محمدتقی جعفری رحمته‌الله در این باره می‌فرماید: کارگر حق دارد که مزد عادلانه برای کار خویش مطالبه کند و در صورتی که کارفرما از پرداخت قیمت عادلانه امتناع ورزد، بر دولت واجب است که برای دفع ظلم از کارگر دخالت کند و حق او را استیفا نماید. در موارد اختلاف بین کارگر و کارفرما نیز دولت موظف است برای رفع اختلاف بین کارگر و کارفرما و منتفی کردن ظلم و الزام به عدالت دخالت کند (جعفری تبریزی، ۱۴۱۹، ص ۲۰۳). حال، در اینجا نیز بیشتر افراد جامعه به‌ویژه قشر ضعیف، به علت ناآگاهی از مسائل اقتصادی و گاه به علت عدم توانایی در امور اقتصادی قادر به تبدیل پول نقد خود به سرمایه نیستند و چاره‌ای جز نگهداری پول نقد ندارند، از این رو مشمول قاعده اقدام نیستند.

اما اگر مطلب را از زاویه دیگری نگاه کنیم و حساب‌های بانکی را پول بدانیم و پرداخت اسکناس به بانک و افزایش حساب را تعویض پول (فیزیکی به الکترونیکی) بدانیم، در این صورت هنگام افتتاح حساب، پول مشتری به نحو لحظه‌ای در اختیار اوست و از این رو از اساس قرضی اتفاق نیفتاده تا در هنگام پس گرفتنش، بانک ضامن ارزش واقعی آن باشد و در نتیجه، نیاز به این همه پیچیدگی و مؤونه فقهی و حقوقی ندارد. از سوی دیگر از آنجاکه بیان شد با یک نوع پول خصوصی مواجه هستیم، از لحاظ منطقی بانک هیچ مسئولیتی نسبت به حفظ پولش نباید داشته

باشد؛ یعنی اگر بانکی ورشکسته شد، پول مشتریان بانک از بین می‌رود و منطقاً نباید بانک مسئولیت حفظ آن را به عهده داشته باشد.

با وجود این، بانک‌های مرکزی به دلیل کارایی و حفظ نظام پولی، هم می‌توانند از بانک‌ها تعهد تعویض پول خصوصی خود با دارایی‌های فیزیکی و حقیقی یا با پول بانک مرکزی بگیرند، چنان‌که ارتکاز عرفی همین است، و هم می‌توانند سپرده‌ها را بیمه کنند تا نااطمینانی در این بازار را به حداقل برسانند. البته این نکته را یادآور می‌شویم که در باب ضمانت بانک، مدخل دیگری (ضامن بودن بانک از جهت خلق پول و کاهش ارزش پول) نیز وجود دارد که با این بحث متفاوت بوده و خارج موضوع این تحقیق است و از این رو باید در جای خود پیگیری شود.

#### ۴. نتیجه‌گیری

در مواجهه با حساب‌های جاری بیان شد دو رویکرد کلی وجود دارد: گاه رابطه بین مشتری و بانک بررسی می‌شود و گاه حساب سپرده‌های جاری از نقطه‌نظر رابطه بین این حساب‌ها و جامعه بررسی می‌شوند. برای بررسی رویکرد اول که محل بحث در این تحقیق است، ابتدا به سراغ بررسی مسئله از جهت رویکرد دوم رفتیم و در این رابطه، سه تعریف کلی از پول بیان کردیم: تعریف کارکردگرایی، فلزگرایی و سندگرایی. در مرحله بعد مبتنی بر این تعاریف، پول‌های مدرن را طبق نظر اقتصاددانان برشمردیم که از جمله آنها حساب‌های جاری بود. در گام بعدی دو قول حواله بودن این حساب‌ها و پول بودن آنها را نقل کردیم و در گام سوم، به تبیین نظریه پول خصوصی پرداختیم. در مرحله بعد روشن شد که چرا تقریباً قاطبه بررسی‌های فقهی و حقوقی در باب ماهیت حساب‌های جاری از نظر رابطه حقوقی بین مردم و بانک، مسیر را به خطا رفته‌اند و باید این پدیده را از زاویه دیگری تحلیل کنند. در نهایت دلالت‌های این نظریه را بررسی کردیم و گفتیم اگر این نظریه پذیرفته شود:

الف) بسیاری از ادله بیان شده در باب حرمت خلق پول، پذیرفته نخواهد شد؛

ب) بانک ضامن کاهش ارزش پولی نیست که از مشتریان دریافت می‌کند؛

## منابع

۱. ابراهیمی، محمدحسین (۱۳۷۶)، پول، بانک، صرافی. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. تقی‌پور مقیم، سیدمحمد (۱۳۹۶)، «ماهیت حقوقی سپرده‌های سرمایه‌گذاری بانک‌ها». فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۹، ص ۱۸۱-۱۹۶.
۳. توسلی، محمداسماعیل (۱۳۹۷)، تحلیل ماهیت پول و بنیان‌های اعمال سیاست پولی در اقتصاد اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. الثبیتی، مسعود و شیوا مشیرفرد (۱۳۷۶)، «حساب‌های جاری». تحقیقات اسلامی، ۱ و ۲، ص ۱۲۳-۱۵۷.
۵. جعفری تیریزی، محمدتقی (۱۴۱۹)، رسائل فقهی، تهران: مؤسسه منشورات کرامت.
۶. حرّعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل‌البیت.
۷. حسینی دولت‌آبادی، سیدمهدی (۱۳۹۴)، «ترتیبات خلق پول از منظر اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی با تأکید بر نرخ ذخیره قانونی». رساله دکتری، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۸. خواجویی راد، علی (۱۳۸۸)، «بررسی ماهیت حقوقی حساب‌های سپرده و قرض‌الحسنه در نظام عملیات بانکی بدون ربا» پایان‌نامه ارشد، دانشکده الهیات و علوم اسلامی دانشگاه پیام نور تهران.
۹. درودیان، حسین (۱۴۰۰)، معماران پول؛ روایتی نو از نقش بانک‌ها در خلق پول امروز به‌همراه تحلیلی جامع از تحولات پولی کشور، تهران: انتشارات نهادگرا.
۱۰. شهیدی، محمدتقی (۱۴۰۰)، فقه پول: ماهیت پول، ضمان کاهش ارزش پول، خمس تورم، زکات پول، پول در دیات و ربا در پول، مقرر: مهدی معتمدی، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
۱۱. صادقی، کیانا (۱۳۹۷)، «ماهیت حقوقی سپرده‌های بانکی و مسئولیت بانک در قبال آنها»، پایان‌نامه ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس.
۱۲. صدر، محمدباقر (۱۳۵۸)، بنیادهای عمومی بانک در جامعه اسلامی، ترجمه سیدجمال‌الدین موسوی، تهران: انتشارات روزبه.
۱۳. صدر، محمدباقر (۱۳۸۸)، «بانک بدون ربا در اسلام: الگویی برای جایگزینی ربا و بررسی فعالیت‌های بانکی در پرتو فقه اسلام»؛ به‌ضمیمه مقاله بانک در جامعه اسلامی، ترجمه یحیی علوی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

۱۴. طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۱۴)، تکمله العروه الوثقی، تهران: کتابفروشی داوری.
۱۵. عالی پناه، علیرضا و محمدحسن تاج لنگرودی (۱۳۹۶)، «بررسی فقهی خلق پول به وسیله بانک‌های تجاری»، پژوهش‌نامه میان‌رشته‌ای فقهی، ۵(۲)، ص ۶۵-۹۴.
۱۶. عبدی‌پور، ابراهیم (۱۳۸۹)، «تحلیل حقوقی ماهیت پول الکترونیکی، حقوق خصوصی، ۷ (۱۶)، ص ۵۳-۸۴.
۱۷. عیسوی، محمود؛ محمد مهدی مجاهدی مؤخر، امیر خادم علیزاده و معصومه آقاجانی (۱۳۹۸)، «چارچوب نظری عرضه پول (مقایسه تطبیقی اقتصاد متعارف و اقتصاد با رویکردی اسلامی)»، فصلنامه راهبرد اقتصاد، ۸ (۲۸)، ص ۱۷۵-۲۰۴.
۱۸. گریسون، راجر دلیو (۱۳۹۷)، زمان و پول، ترجمه محمد جوادی، امیررضا عبدلی، چاپ اول، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
۱۹. مارکس، کارل (۱۳۶۳)، گروندریسه: مبانی نقد اقتصاد سیاسی، ترجمه باقر پرهام و احمد تدین. تهران: آگاه.
۲۰. محمودی، اصغر؛ جلال سلطان احمدی و قادر بابایی (۱۳۹۸)، «قرارداد تشکیل حساب جاری بانکی در حقوق ایران»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۴(۸۵)، ص ۱۴۵-۱۶۷.
۲۱. مدرسی یزدی، محمدرضا (۱۳۹۶)، البیع، جلد دوم، قم: دارالتفسیر.
۲۲. مزین، عثمان (۱۳۸۵)، «ماهیت حقوقی سپرده‌های بانکی»، پایان‌نامه ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۲ق)، بحوث فقهیه هامة، چاپ اول، قم: مدرسة الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
۲۴. موسویان، سیدعباس و حسین میثمی (۱۳۹۷)، بانکداری اسلامی، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۲۵. موسویان، سیدعباس و سعید کریمی (۱۳۹۹)، «ماهیت فقهی حساب‌های جاری (با رویکرد ارائه راهکار برای اصلاح قوانین و مقررات)»، فصلنامه دین و قانون، ۲۷، ص ۱۱-۴۴.
۲۶. نوپ، تد ای. (۱۳۹۶)، اقتصاد کلان مالی جدید، ترجمه مهدی تقوی، بیتا شایگانی، تهران: مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران.
۲۷. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۷۴)، «ضمان کاهش ارزش پول»، مجله فقه اهل بیت (علیهم السلام)، ۲، ص ۴۸-۸۷.
28. Abel, Andrew B., Olivier J. Blanchard, Ben Bernanke, and Dean Croushore. (2017), *Macroeconomics*. Pearson UK.

29. Adak, Naba Kumar (2017), The Central Bank Fraudulently Creates Money out of Nothing but Pushes It into the Economy as if the Money is representing Some Commodity. Proceedings of Annual Tokyo Business Research Conference, 3–5 April 2017, Hotel Sunroute Plaza Shinjuku, Tokyo, Japan, ISBN: 978-1-925488-31-9.
30. Cesarano, Filippo. (2014), The puzzle of metallism: searching for the nature of money. *History of Political Economy*, 46(2), 177–210.
31. Corbet, Shaen, Brian Lucey, Andrew Urquhart, and Larisa Yarovaya. (2019), Cryptocurrencies as a financial asset: A systematic analysis. *International Review of Financial Analysis*, 62, 182–199.
32. Di Pierro, Massimo (2017), What is the blockchain?. *Computing in Science & Engineering*, 19(5), 92–95 .
33. Kregel, Jan. (2019), MMT: the wrong answer to the wrong question. *real-world economics review*, 89(3), 85–96.
34. Mankiw, Gregory (2012), Principles of Economics. Mason OH, Cengage Learning.
35. Menger, Carl. (1892), On The Origins of Money, Auburn. The Ludwig von Mises Institute.
36. Minsky, H. (1986), Stabilizing an Unstable Economy. New Haven, CT: Yale University Press.
37. Mishkin, Frederic S. (2019), The Economics of Money, Banking and Financial Markets. The Pearson Series in Economics.
38. Naito, Atsushi. (2020), Nominality of Money: Theory of Credit Money and Chartalism. *The Review of Keynesian Studies*. 2, 122–147.
39. Samuelson, P. A. and Nordhaus, W. D. (2001), Economics. 17th ed. Boston, MA: McGrawHill.
40. Searle, John R. (2017), Money: Ontology and deception. *Cambridge Journal of Economics*, 41(5), 1453–1470.
41. Söderberg, Gabriel. (2018), Are Bitcoin and other crypto-assets money?. *Economic Commentaries*, 5, 1–14.
42. Tcherneva, Pavlina R. (2006), Chartalism and the tax-driven approach to money. *A handbook of alternative monetary economics*, 69.